Qualitative Research in Educational Sciences
Volume 1, Issue 3, Spring 2025, Pages 9-40
https://doi.org/10.71839/QRES.2025.1203789

Designing a Model for Improving the Educational and Developmental Quality of Public Secondary Schools in Mazandaran Province

Mojtaba Rezaei-Rad[1*], Maysam Asgar Shamsi[2], Seyed Abedin Nabavi[3], Bahare Nekoonam[4]

[1*] Assistant Professor, Department of Educational Technology, Sar.C., Islamic Azad University, Sari, Iran
[2] Associate Teacher, Education of Mazandaran Province, Tonekabon, Iran
[3] Associate Teacher, Education of Mazandaran Province, Sari, Iran
[4] Assistant Professor, Department of Physical Education, Rahman Institute of Higher Education, Ramsar, Iran

Received 2025/04/12

Accepted 2025/05/20

* Corresponding author: rezaeirad@iau.ac.ir

Abstract

The quality of education in schools is one of the key factors in the development of human resources and social progress. This study aimed to design a model for improving the educational and developmental quality of public secondary schools in Mazandaran Province. The research was qualitative and applied-developmental in nature. Participants included academic experts, school administrators, researchers, and education professionals. Through theoretical sampling, 23 individuals participated until data saturation was achieved. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using grounded theory. The results showed that improving educational quality requires identifying and modifying effective factors in this area, including six core elements (causal conditions, central phenomenon, strategies, contextual conditions, intervening conditions and outcomes), a total of 510 initial codes, 139 concepts, 4 themes (drivers, barriers, stimuli, and requirements), and 34 categories. The findings indicate that improving the quality of public secondary education in Mazandaran requires structural and managerial reforms, as well as the implementation of strategic plans at macro, meso, and micro levels. These efforts aim to enhance student performance, increase satisfaction among parents and educators, transform organizational curriculum content, and contribute to the development of a modern and dynamic society.

Keywords

Educational and developmental quality, public secondary schools, Mazandaran province department of education

Citation: Rezaeirad, M., Asgar Shamsi, M., Nabavi, S. A., & Nekoonam, B. (2025). Designing a Model for Improving the Educational and Developmental Quality of Public Secondary Schools in Mazandaran Province. *Qualitative Research in Educational Sciences, 1*(3), 9-40. https://doi.org/10.71839/QRES.2025.1203789

فصلنامه پژوهش‌های کیفی در علوم تربیتی
سال اول، شماره سوم، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۹ الی ۴۰
https://doi.org/10.71839/QRES.2025.1203789

طراحی الگوی بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران

مجتبی رضائی‌راد [۱*]، میثم عسگرشمسی [۲]، سید عابدین نبوی [۳]، بهاره نکونام [۴]

[*۱] استادیار گروه تکنولوژی آموزشی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران
[۲] دانشیار معلم، آموزش و پرورش استان مازندران، تنکابن، ایران
[۳] دانشیار معلم، آموزش و پرورش استان مازندران، ساری، ایران
[۴] استادیار گروه تربیت بدنی، مؤسسه آموزش عالی رحمان، رامسر، ایران

چکیده

کیفیت آموزشی و پرورشی در مدارس، از عوامل کلیدی در توسعه نیروی انسانی و پیشرفت اجتماعی است. این پژوهش با هدف طراحی الگوی بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی در مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران انجام شد. روش پژوهش از نوع کیفی و با هدف کاربردی- توسعه‌ای بود که با مشارکت ۲۳ نفر از صاحب‌نظران، مدیران و معلمان صورت گرفت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند جمع‌آوری و با کمک روش نظریه‌پردازی داده بنیاد تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بهبود کیفیت آموزشی مستلزم شناسایی و اصلاح عوامل مؤثر در این حوزه، شامل شش سازه کلیدی (شرایط علی، پدیده مرکزی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها)، در مجموع ۵۱۰ گویه (کد باز)، ۱۳۹ مفهوم، ۴ محور (پیشران‌ها، موانع، محرک‌ها و ملزومات) و ۳۴ مقوله است. بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی مستلزم اصلاحات ساختاری، مدیریتی است و اجرای راهبردهای کلان، میانی و خرد در مدارس منجر به بهبود عملکرد دانش‌آموزان، افزایش رضایت والدین و فرهنگیان، تحول سازمانی در محتوا، روش‌های تدریس و برنامه درسی در راستای نیازهای روز جامعه و بازار می‌گردد. نتایج پژوهش می‌تواند به‌عنوان منبعی ارزشمند برای مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی در راستای بهبود کیفیت محتوای آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران مورد استفاده قرار گیرد و به ارتقای جامعه‌ای مدرن و پویا کمک کند.

واژگان کلیدی

کیفیت آموزشی و پرورشی، مدارس متوسطه دولتی، اداره کل آموزش و پرورش مازندران

تاریخ دریافت
۱۴۰۴/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش
۱۴۰۴/۰۲/۳۰

* نویسنده مسؤول
rezaeirad@iau.ac.ir

استناددهی: رضائی‌راد، مجتبی، عسگرشمسی، میثم، نبوی، سیدعابدین و نکونام، بهاره. (۱۴۰۴). طراحی الگوی بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران. *پژوهش‌های کیفی در علوم تربیتی*، ۱(۳)، ۹-۴۰.
https://doi.org/10.71839/QRES.2025.1203789

مقدمه

گام اول توسعه در هر جامعه، رشد و توسعه نیروی انسانی آن است. سازمان آموزش و پرورش، یکی از نهادهای بخش عمومی کشور است که رویکرد آن ارتقاء دانش و فرهنگ عامه مردم است. سازمان‌های آموزشی به‌عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی با توجه به رسالتی که در پیشبرد اهداف علمی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و فرهنگی از لحاظ کیفی و کمی دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند (وثوق و همکاران، ۱۳۹۵). فرآیند آموزش، از پیدایش انسان بر زمین آغاز شده و به باور برخی آموزش و پرورش (یا گونه‌ای از آن) از نظر قدمت دومین پیشه انسان‌ها بوده است. هیچ جامعه انسانی وجود نداشته که اهمیت و مرکزیت آموزش را رد کند (هاروی[1] و همکاران، ۲۰۱۸). پس از بیانیه جهانی حقوق بشر در سال ۲۰۰۴ توسط سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو[2]) مبنی بر این که کیفیت آموزش به‌طور کلی در همه کشورها رو به زوال است (سیسلاقی و هایسه[3]، ۲۰۲۰)، مجدداً کیفیت آموزش در سراسر جهان مورد توجه قرار گرفته است. کیفیت آموزش، به معنای مناسب بودن کلیه ویژگی‌های آموزش (ورودی‌ها، فرآیندها و خروجی‌ها) می‌باشد و اکنون در قلب هر نظام آموزشی بعد از سال ۲۰۱۵ در سراسر جهان رواج پیدا کرده است (زجده[4]، ۲۰۲۰). ارتقای کیفیت آموزشی و پرورشی در مقطع متوسطه به‌عنوان سنگ بنای توسعه فردی و اجتماعی، از اهداف کلیدی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران (۱۳۹۰) است.

حرکت به سمت تأمین کیفیت آموزش همراه با مداخلات آموزشی مختلفی برای اهداف اصلاحی بوده است که در ارائه دانش و مهارت کافی به جوانان و نیز حفظ رشد اقتصادی و اجتماعی کشورها ضروری است (آدابی و همکاران، ۱۴۰۱). کیفیت؛ به معنای رسیدن به استانداردهای از پیش‌تعیین شده و پاسخ دادن به نیازها و انتظارات افراد است. شناسایی ابعاد و شاخص‌های کیفیت و تعیین قطعی اثرگذاری این عوامل، غیرممکن است؛ زیرا، در مرحله اجرایی تعریف جامعی از آن وجود ندارد. در نتیجه توافقی در مورد بهترین روش برای اندازه‌گیری کیفیت خدمات وجود ندارد (ووس[5] و همکاران، ۲۰۰۷). مفهوم کیفیت آموزشی شامل چهار بعد کارکردها و فعالیت‌های مدرسه

1. Harvey
2. UNESCO
3. Cislaghi & Heise
4. Zajda
5. Voss

نظیر فرآیند یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان؛ معلمان و دست‌اندرکاران آموزشی؛ دانش‌آموزان و مخاطبان؛ امکانات و تجهیزات آموزشی است (بهارلو، ۱۳۹۶). منفرد (۱۴۰۲) معتقد است که کیفیت آموزشی عاملی کلیدی در رقابت پنهان بین کشورهاست چرا که کیفیت محصولات و خدمات بویژه خدمات آموزشی در هر کشور براساس نحوه تفکر، عمل و تصمیم‌گیری مدیران، معلمان، اقتصاددانان و سایر گروه‌های تحصیل کرده جامعه شکل می‌گیرد. با این وجود، کیفیت و فرآیند تکوین و استمرار آن امری اتفاقی نیست و منوط به داشتن سازکاری منسجم و برنامه‌ریزی شده با اعتبارسنجی است که طی مراحل درونی و بیرونی صورت می‌گیرد. بلوم[1] (۱۹۵۶) کیفیت را مهمترین متغیر آموزشی برشمرد و معتقد بود روابط معلم و دانش‌آموز و دانش‌آموزان با هم، مواد آموزشی، تنظیم محتوا و هدف‌های آموزشی، در دسترس بودن، زمان و منابع لازم برای آموزش، عوامل مؤثر بر کیفیت هستند که بر اجزای کیفیت تأثیرگذارند و نیرومندترین شاخص کیفیت آموزش، سطح مشارکت دانش‌آموزان در امر یادگیری است. اگرینک[2] و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند که توجه به کیفیت در مدارس از موارد اساسی و حیاتی مؤثر بر سرنوشت جوامع است. زیرا کیفیت مانند ترکیبی از کارایی، بهره‌وری، اثربخشی، پاسخ‌گویی، توان نوآوری و شرایط آموزشی است. از سوی دیگر اندیشمندان، دوره متوسطه را دوران طوفان، فشار و نقطه عطف زندگی می‌دانند و در گزارش نهایی اجلاس منطقه‌ای یونسکو در قالب دوره‌ای انتقالی بین آموزش عمومی غیرتخصصی و دوره آموزش عالی هم معرفی شد و در نظام تعلیم و تربیت کشورهای مختلف جهان اهمیت استراتژیک دارد (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۶).

نظام آموزش و پرورش، به‌عنوان رکن اساسی توسعه جوامع، نقشی بی‌بدیل در تربیت نیروی انسانی کارآمد و تعالی‌بخش ایفا می‌کند. در این میان، مدارس متوسطه به دلیل قرار گرفتن در مقطع حساسی از رشد و شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. کیفیت آموزشی و پرورشی این مدارس، نه تنها بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرگذار است، بلکه آینده شغلی، اجتماعی و فرهنگی آنان را نیز رقم می‌زند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[3]، ۲۰۲۳). با این حال، مدارس متوسطه دولتی عادی در استان مازندران با چالش‌های متعددی در زمینه کیفیت

1. Bloom
2. Ogrinc
3. OECD: Organization for Economic Co-operation and Development

آموزشی و پرورشی مواجه هستند که نیازمند بررسی و ارائه راهکارهای بهبود است. بررسی‌های میدانی و گزارش‌های رسمی حاکی از آن است که مدارس متوسطه دولتی عادی در استان مازندران در زمینه‌های مختلفی از جمله عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، انگیزش و مشارکت آنان در فعالیت‌های آموزشی و پرورشی، کیفیت تدریس معلمان، اثربخشی برنامه‌های درسی و فعالیت‌های فوق‌برنامه، و همچنین رضایت ذی‌نفعان (دانش‌آموزان، والدین، معلمان و مدیران) با مشکلاتی روبرو هستند (اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران، ۱۴۰۲). غفاری‌اسمعیلی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در نتایج پژوهشی خویش تأکید نمودند که استان مازندران برای دستیابی به برابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی، نیازمند بازبینی در بسیاری از برنامه‌ها و ارتقای شاخص‌های آموزشی (درونداد، فرآیند و برونداد) است. این مشکلات می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی از جمله کمبود منابع مالی و تجهیزات، تراکم بالای دانش‌آموزان در کلاس‌ها، عدم تناسب برنامه‌های درسی با نیازهای دانش‌آموزان، ضعف در مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، و عدم مشارکت فعال والدین در فرآیند آموزش و پرورش باشد. علی‌رغم وجود نتایج پژوهشی کمی و پیمایشی متعدد پیرامون چالش‌ها و ویژگی‌های مدارس متوسطه در استان مازندران، درک عمیق و جامعی از دیدگاه‌ها و تجربیات ذی‌نفعان وجود ندارد. بنابراین، نیاز به پژوهشی کیفی و بومی‌سازی شده احساس می‌شود که با استفاده از روش‌های اکتشافی، به شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی در مازندران بپردازد و الگویی جامع و کاربردی برای بهبود آن ارائه دهد. زیرا نتایج آن می‌تواند به مدیران و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش در استان کمک کند تا با شناسایی دقیق چالش‌ها و فرصت‌های موجود، برنامه‌ها و سیاست‌های مؤثرتری را برای بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی تدوین و اجرا کنند. همچنین، این پژوهش می‌تواند به معلمان و مدیران مدارس کمک کند تا با آگاهی از عوامل مؤثر بر کیفیت، راهکارهای عملی و نوآورانه‌ای را برای ارتقای عملکرد خود و بهبود یادگیری دانش‌آموزان به‌کار گیرند. علاوه بر این، این پژوهش می‌تواند به دانش‌آموزان و والدین کمک کند تا با شناخت حقوق و مسؤولیت‌های خود، نقش فعال‌تری در فرآیند آموزش و پرورش ایفا کنند و از فرصت‌های آموزشی بهتری بهره‌مند شوند. بهبود کیفیت آموزشی مدارس دولتی نه تنها به افزایش عدالت آموزشی کمک می‌کند، بلکه پایه‌ای برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در استان مازندران است.

بررسی پیشینه‌های پژوهشی در این زمینه، حاکی از انجام پژوهش‌هایی مشابه می‌باشد. زیبایی و همکاران (۱۴۰۳) نشان دادند که شش بعد مدیریت و هبری؛ اعتقاد به خرد جمعی؛ سطح سلامت، بهداشت و ایمنی در مدرسه؛ توانمندسازی نیروی انسانی؛ استقرار نظام یاددهی- یاگیری و بعد فعالیت‌های فوق برنامه از مهمترین ابعاد کیفیت‌بخشی دبیرستان‌های شهر تهران هستند. رمضانی و همکاران (۱۴۰۳) بیان کردند که بازیگران فعال شامل مدیران، معلمان، انجمن اولیا و مربیان اثربخش؛ فرآیند یاددهی و یادگیری آموزش اثربخش؛ و اجزا و عناصر ارزیابی عملکردی شامل تعیین استانداردها و شاخص‌های ارزیابی، شیوه‌های ارزیابی، مجریان ارزیابی، حوزه‌های ارزیابی عملکردی، ابزارهای ارزیابی؛ تنظیم تقویم اجرایی، و شرایط انجام ارزیابی؛ در ارزیابی عملکردی مدارس اثربخش مؤثرند. همچنین اصول و ارزش‌های مدرسه اثربخش عبارتند از: انطباق با معیارهای ایرانی اسلامی، خردورزی، برقراری اعتدال و انسجام، تکریم کنشگران آموزشی، دوراندیشی و نتایج ارزیابی (مشخص شدن وضعیت موجود و مطلوب آموزشی).

صادق‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) اظهار داشتند که پنج بعد الزامات شامل آموزشی، زیباشناختی، محتوایی، مشارکت برون‌سازمانی و فرآیندی و ۱۲ مؤلفه تعامل با سایر گروه‌های آموزشی مجازی، اختصاص ساعات بیشتر آموزش آنلاین، انعطاف‌پذیری، عوامل تکنولوژیکی، قابلیت‌های کاهش محدودیت آنلاین، سامانه مدیریت یادگیری الکترونیکی، محتوای دروس متناسب، زیرساخت‌های نظام آموزش مجازی، کیفیت نظام ارائه خدمات، کیفیت پشتیبانی ادراک شده، کیفیت رفتار متولیان آموزش مجازی و بکارگیری استانداردهای آموزش مجازی، در کیفیت خدمات آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی استان بوشهر مؤثر هستند. آدابی و همکاران (۱۴۰۱) ده مقوله اصلی شامل معلمان، مدیریت و مدارس، تشکیلات سازمانی مدارس، فضای مدرسه، امکانات مدرسه، محتوای درسی، اعتبارات، سطح رضایت، پیشرفت تحصیلی، انگیزش تحصیلی و دو راهبرد شامل بودجه مدارس و سطح رضایت معلمان مدارس و دو پیامد شامل پیشرفت و انگیزش تحصیلی جهت ارتقای کیفیت آموزش مدارس شهرستان اهواز را گزارش نمودند. چناری و همکاران (۱۳۹۹) نیز دو بعد (عوامل درون و برون سازمانی) و ۱۱ مؤلفه در طراحی الگوی کیفیت آموزشی (اهداف و رسالت‌های آموزش ابتدایی، مدیریت و رهبری، معلمان، دانش‌آموزان، فضای آموزشی، محتوای آموزشی،

فرآیندهای یادگیری- یاددهی، زیرساخت‌های آموزشی، خانواده، فرهنگ، اجتماع و سیاست) معرفی نمودند.

مقسمی (۱۳۹۹) عوامل محیطی، ویژگی‌های معلم و دانش‌آموز، امکانات و تجهیزات، مدیر مدرسه، روابط انسانی خانواده، اهداف آموزشی و محتوای تدریس، منابع و روش تدریس را مهمترین عوامل مؤثر بر کیفیت مدارس ذکر کرد. سیامسیه[1] (۲۰۲۴) نشان داد استفاده از فناوری، بویژه برنامه‌های کاربردی مبتنی بر وب و تلفن همراه، بر تسهیل ارتباط و همکاری بین اعضای تیم آموزشی در مدرسه کمک می‌کند و مشارکت با جوامع محلی نیز به‌طور خاص کیفیت خدمات و تلاش‌های آموزشی را تقویت می‌کند. عیسی[2] و همکاران (۲۰۲۴) به این نتیجه رسیدند که کیفیت مواد آموزشی با حرفه‌ای بودن معلمان و بکارگیری راهبردهای آموزشی مانند یادگیری مبتنی بر فناوری و یادگیری مشارکتی، در ارتباط است. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان دهنده محیط پیچیده در مدارس جهت بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان دبیرستانی است و شناسایی چالش‌ها و نیازهای آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه، تنها با مشارکت ذی‌نفعان (مدیران، معلمان، دانش‌آموزان و والدین) و فرآیندهای یاددهی و یادگیری و ارزیابی عملکرد، امکان‌پذیر است.

با توجه به موارد فوق، پژوهش درباره کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه مازندران از جمله مسائل مهمی است که از یک سو بازخورد مناسب برای تجزیه و تحلیل مسائل آموزشی، تصمیم‌گیری‌های اساسی و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در اختیار مسؤولان آموزش و پرورش استان قرار می‌دهد و از سوی دیگر، دبیران با آگاهی از کیفیت عملکرد خود در کلاس آموزشی می‌توانند به اصلاح شیوه‌ها و روش‌های آموزشی و در نتیجه، افزایش کیفیت تدریس خود بپردازند. همچنین عملکرد اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران به‌عنوان متولی اصلی آموزش و تربیت در کلیه ابعاد تربیتی و زندگی فرزندان و آینده مردم استان، اثرگذار است. بنابراین مطالعه حاضر می‌تواند برای موفقیت سازمان و آینده‌سازان استان مفید باشد. در این راستا، با توجه و تأکید اسناد بالادستی نظیر سند تحول بنیادین به مفهوم کیفیت آموزشی در مدارس، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که الگوی مطلوب بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران چگونه است؟

1. Syamsiyah
2. Isa

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر استراتژی کیفی و اکتشافی بود که از روش، نظریه سازی داده بنیاد[1] با رویکرد نظام‌مند اشتراوس و کوربین[2] به شناسایی و تدوین الگوی پارادایمی بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران از طریق کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی اسناد و مطالعات پیشین و مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته پرداخت. جامعه آماری شامل خبرگان علمی و عملی متشکل از پژوهشگران و استادان دانشگاه، مدیران و معاونان آموزشی مدارس آموزش و پرورش شهرستان‌های منتخب استان مازندران بود. پژوهش به روش استقرایی تا رسیدن به اشباع نظری جهت شناسایی پدیده اصلی و مرکزی، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای بهبود کیفیت بخشی آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دوم انجام شد. تعداد خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش **۲۳** نفر تا رسیدن به اشباع نظری از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختارمند و ۱۲ سند پژوهشی بود؛ یعنی از نفر بیست و سوم، داده‌ها تکراری شد و برای اطمینان بیشتر مصاحبه‌ها تا صاحب‌نظر بیست و پنجم هم انجام گرفت، اما کد باز (گویه) جدیدی اضافه نشد. نمونه‌گیری برای انتخاب خبرگان، صاحب‌نظران و اسناد پژوهشی، به‌طور هدفمند با روش نظری (قضاوتی) انجام شد، زیرا انتخاب این افراد و اسناد براساس داوری و قضاوت گروه پژوهشی صورت گرفت و نمونه‌هایی انتخاب شدند که به نظر گروه پژوهش برای ارائه اطلاعات مورد نیاز در بهترین موقعیت قرار داشتند. به این شکل هرگاه بخشی از یک جامعه آماری بر اساس داوری و قضاوت افراد خاص یا پژوهشگران برای بررسی انتخاب شوند، نمونه‌گیری نظری (قضاوتی) و هدفمند نامیده می‌شود. این روش، بیشتر زمانی استفاده می‌شود که نیاز به نمونه‌های خبره باشد.

ابزار گردآوری داده‌های پژوهش شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و برگه‌های کدگذاری مبتنی بر دستورالعمل محقق‌ساخته بود که به منظور انجام کدگذاری باز، محوری و انتخابی در تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های مکرر با صاحب‌نظران گروه پژوهش (در بیش از سه مرحله مصاحبه، رایزنی و هم‌فکری) طراحی و اجرا شد. در ادامه، داده‌ها در چارچوب شش مؤلفه الگوی پارادایمی نظام‌مند اشتراوس و کوربین تحلیل و در نهایت دسته‌بندی شدند.

---

1. Grounded theory
2. Strauss & Corbin

جدول ۱. ویژگی جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در مصاحبه‌ها

		صاحب‌نظران دانشگاهی مدیریت آموزشی استان		مدیران و معاونان آموزشی ادارات منتخب		مدیران و معاونان دبیرستان‌های منتخب		معلمان و دبیران منتخب		مجموع
جنسیت		مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	
سطح تحصیلات	کارشناسی	۰	۰	۲	۰	۱	۱	۰	۰	۴
	کارشناسی‌ارشد	۰	۰	۲	۲	۱	۲	۱	۱	۹
	دکتری	۴	۲	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱۰
مجموع		۶ (۴*)		۷(۳*)		۶ (۳*)		۴ (۳*)		۲۳

* ارقام داخل پرانتز به اطلاع‌رسانی‌هایی اشاره دارد که به منظور اطمینان از اشباع نظری انجام شده‌اند.

با توجه به مطالعه سوابق و مستندات، مبانی نظری و ادبیات پیشینه، کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها و مشاوره و بررسی آراء و نظرات متخصصان در سه گام به صورت کیفی انجام گرفت: گام ۱. مطالعات کتابخانه‌ای و تدوین پرسش‌های پژوهشی مصاحبه؛ گام ۲. گردآوری داده‌ها با مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری و گام ۳. پس از اشباع نظری، تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی و اجماع.

جهت اطمینان از روایی (راستی) داده‌های پژوهش، از تطبیق توسط اعضاء[1]، روش ممیزی[2]، مشارکتی بودن پژوهش[3] و کثرت‌گرایی[4] استفاده گردید و در تعیین پایایی (درستی) آن از طریق تهیه و به‌کارگیری چارچوبی مدون برای مصاحبه، با ضریب توافق بین کدگذاران (معیار پی‌اسکات[5]) کنترل شد. یعنی به‌طور تصادفی، کدگذاری چهار مصاحبه طبق دستورالعمل برگه‌های کدگذاری محقق‌ساخته به دو کدگذار مجرب (دانش‌آموخته دکتری مدیریت آموزشی) داده شد و در پایان ضریب توافق ایشان ۰/۹۰ محاسبه شد.

یافته‌ها

تجمیع و خلاصه مصاحبه‌ها (برآیند پاسخ‌های مورد تأیید گروه پژوهش) پس از اجماع و اشباع نظری، در جداول ۲ الی ۷ ارائه شده است. با توجه به راهنمای نظام‌مند کوربین و اشتراوس در انجام

1. Member check
2. Auditing
3. Participatory
4. Triangulation
5. Scott’s pi

کدگذاری باز و محوری، ابتدا با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز در قالب دستورالعمل برگه‌های کدگذاری استخراج شوند و در مرحله بعدی آن مفاهیم در قالب مقوله‌های بزرگتری قرار گرفتند. بعد از این مرحله سعی شد که مقولات نیز در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی طبقه‌بندی گردند. در مرحله دوم که کدگذاری محوری (موانع بازدارنده‌ها، پیشران‌ها، محرک‌ها و ملزومات اصلی) در بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران به روش استقرایی[1] (جزء به کل) مقوله‌های اصلی هر سازه تعیین و در قالب ۶ سازه اصلی شامل شرایط علی، پدیده مرکزی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای محیطی و پیامدها دسته‌بندی شدند. در نهایت، در مرحله کدگذاری گزینشی روابط بین مقولات آشکار، الگوی پارادایمی و نظریه‌ها فراهم آمد. به دلیل گستردگی کدهای باز تنها به مفاهیم و تعداد کدهای باز (گویه‌های) آن و کدهای انتخابی و درصد توافق مصاحبه‌شوندگان درباره کدگذاری‌ها در دور آخر مصاحبه، در جداول ۲ الی ۷ اشاره شده است.

جدول ۲. اجماع نظرات گروه پژوهش در خصوص مقوله‌ها و محورهای پدیده اصلی بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی

ردیف	مفاهیم پدیده اصلی و مرکزی ایده	مقوله‌های پدیده اصلی	درصد توافق
۱	۱. تربیت (آموزش) پیشرفت تحصیلی ۲. آموزش تخصصی ۳. تربیت (پرورش) عمومی مهارت‌های زندگی ۴. مفهوم کیفیت (۴ مفهوم و ۱۹ گویه)	تعریف و مفهوم تربیت در مدارس متوسطه	۹۱/۳۰
۲	۱. کار گروهی و مشارکتی ۲. ابزارهای سنجش و اندازه‌گیری کیفیت ۳. انطباق با استانداردهای آموزشی (۳ مفهوم، ۹ گویه)	الزام به رعایت و پایبندی به استانداردهای آموزشی و پرورشی در مدارس متوسطه	۱۰۰
۳	۱. رضایت ذی‌نفعان ۲. مهارت‌ها، صلاحیت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای عوامل انسانی یا دست‌اندرکاران آموزشی (معلمان و مدیران، دانش‌آموزان و مخاطبان در مدارس) ۳. عوامل نرم‌افزاری: محتوای برنامه‌های درسی و گزارش‌های آموزشی واحد آموزشی ۴. عوامل سخت‌افزاری: کلاس‌های درس و فعالیت‌های آموزشی امکانات و تجهیزات آموزشی (۴ مفهوم و ۲۰ گویه)	شاخص‌های کیفیت	۹۵/۶۵

1. Inductive approaches

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ۳ مقوله، ۴ محور، ۱۱ مفهوم و ۴۸ گویه برای پدیده اصلی و مرکزی ایده استخراج شده است. پدیده اصلی و مرکزی ایده، رخدادی است که مفاهیم و مقوله‌ها حول آن شکل گرفته و سلسله کنش‌هایی برای کنترل و اداره آن وجود دارد و به آن مرتبط می‌باشد. همچنین، همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، درصد توافق برای مقوله الزام به رعایت و پایبندی به استانداردهای آموزشی و پرورشی در مدارس متوسطه؛ بیش از سایر مقوله‌ها است.

جدول ۳. اجماع نظرات گروه پژوهش در خصوص مقوله‌ها و محورهای شرایط علی بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی

ردیف	مفاهیم و تعدادگویه‌های شرایط علی	مقوله‌های شرایط علی	درصد توافق
۱	۱. زیرساخت‌های سخت‌افزاری (فیزیکی) ۲. زیرساخت‌های نرم‌افزاری ۳. زیرساخت‌های انسانی (۳ مفهوم و ۱۹ گویه)	زیرساخت‌ها	۱۰۰
۲	۱. چالش‌های مدیریتی، ساختار و تشکیلات ۲. چالش‌های برنامه‌های درسی و آموزشی دوره متوسطه ۳. چالش‌های معلم و نیروی انسانی ۴. چالش‌های تربیت (آموزش و پرورش) خلاق، کارآمد و پویا ۵. چالش‌های تأمین و تخصیص منابع مالی (۵ مفهوم و ۴۴ گویه).	چالش‌های عمده آموزش و پرورش	۸۶/۹۵
۳	۱. تجارب یادگیری ۲. نگرش‌ها ۳. ویژگی‌های معلم (دبیر) ۴. ویژگی‌های مخاطبان (دانش‌آموزان) (۴ مفهوم و ۶ گویه)	عوامل فردی ذی‌نفعان	۹۵/۶۵
۴	۱. نیازسنجی و تحلیل محتوای آموزشی ۲. موانع درون سازمانی ۳. عدالت آموزشی ۴. قوانین و مقررات آموزشی ۵. ساختار تشکیلانی غیرمستقل، ۶. نیروی انسانی (۶ مفهوم و ۱۱ گویه)	عوامل سازمانی	۸۶/۹۵
۵	۱. ارتباط سازنده کادر آموزشی مدارس با دانش‌آموزان ۲. فناوری‌های آموزشی و ارتباطی (۲ مفهوم و ۵ گویه)	تعامل و ارتباطات در روابط انسانی	۱۰۰
۶	۱. ورودی‌های نظام مدرسه ۲. فرایندهای مدرسه ۳. متغیرهای آموزشی ۴. متغیرهای پرورشی ۵. متغیرهای جو کلاسی ۶. موانع آموزشی (۶ مفهوم و ۱۰ گویه)	عوامل مدرسه‌ای	۱۰۰

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، شرایط علی مؤثر بر بهبود کیفیت شامل ۶ مقوله، ۴ محور، ۲۶ مفهوم و ۹۵ گویه است. منظور از شرایط علی، آن دسته از عوامل کلیدی و بنیادینی است که به‌صورت مستقیم و تعیین‌کننده بر پدیده مرکزی اثر می‌گذارند و عامل اصلی پیدایش یا ظهور پدیده

مورد مطالعه محسوب می‌شوند. همچنین، درصد توافق برای مقوله‌های زیرساخت‌ها، تعامل و ارتباطات در روابط انسانی، و عوامل مدرسه‌ای بیش از سایر مقوله‌ها بود.

جدول ۴. اجماع نظرات اعضای گروه پژوهش درباره مقوله‌ها و محورهای شرایط زمینه‌ای (بسترساز) مؤثر در بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی

ردیف	مفاهیم و تعداد گویه‌های شرایط زمینه‌ای (بسترساز)	مقوله‌های شرایط زمینه‌ای	درصد توافق
۱	۱. فرهنگ حمایت سازمانی ۲. فرهنگ مدرسه (۲ مفهوم و ۴ گویه)	فرهنگ سازمانی	۹۵/۶۵
۲	۱. فضای اطلاعاتی در دسترس ۲. کیفیت روانی و اجتماعی مدرسه ۳. کمیت و کیفیت فیزیکی مدرسه (۳ مفهوم و ۷ گویه)	کمیت و کیفیت فضای یادگیری مدارس	۱۰۰
۳	۱. دانش‌آموز (عملکرد دانش‌آموز) ۲. مدرس (تدریس مدرسان) ۳. فض معیارهای ارزشیابی ۴. امکانات و تجهیزات آموزشی (تخصیص منابع) (۴ مفهوم و ۹ گویه)	عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش	۹۵/۶۵
۴	۱. ناکارآمدی مدیریت منابع انسانی ۲. ناکارآمدی مدیریت اداری و مالی ۳. فقدان پاسخگویی شفاف و کمی‌نگری سنجش ۴. رضایت شغلی پایین (۴ مفهوم و ۱۷ گویه)	مشکلات درون سازمانی نظام آموزش و پرورش	۹۵/۶۵
۵	۱. موانع ساختاری و اطلاعاتی ۲. عوامل آموزشی و مالی ۳. مسائل مدیریتی و سبک مدیریت ۴. حاکمیت برنامه‌محوری و اخلاقی ۵. عوامل حمایت مالی آموزشی و پرورشی ۶. ویژگی‌های آموزشی مدیر و دبیران ۷. ویژگی‌های پرورشی مدیر و دبیران ۸. ویژگی‌های پژوهشی مدیر و دبیران ۹. ویژگی‌های سازمانی و مدیریتی مدیر و دبیران (۹ مفهوم و ۳۱ گویه)	عوامل مدیریتی و سازمانی	۸۶/۹۵
۶	۱. تعهد دانش‌آموزان و معلمان ۲. ارزیابی استاندارد و استانداردسازی (۲ مفهوم و ۴ گویه)	تعهد به استانداردهای نظام آموزشی	۹۵/۶۵
۷	۱. کمیت عوامل تربیتی ۲. کیفیت عوامل تربیتی (۲ مفهوم و ۳ گویه)	کمیت و کیفیت عوامل تربیتی	۱۰۰
۸	۱. مدیریت کلاس درس ۲. برنامه‌ریزی درسی و تدریس ۳. سنجش و ارزشیابی تحصیلی ۴. رفتارهای تربیتی معلم در کلاس ۵. رفتارهای شغلی و اخلاقی معلم در کلاس (۵ مفهوم و ۲۴ گویه)	رفتار و عملکرد معلم	۹۵/۶۵

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، برای شرایط زمینه‌ای مؤثر در بهبود کیفیت، ۸ مقوله، ۴ محور، ۳۱ مفهوم و ۹۹ گویه شناسایی گردید. شرایط زمینه‌ای یا بسترساز، نمایانگر موقعیت‌ها و بسترهای خاصی است که پدیده در آنها واقع شده است؛ به عبارت دیگر، این شرایط محل وقوع حوادث و وقایع مرتبط با پدیده بوده و کنش‌های متقابل در جهت کنترل، اداره و پاسخ‌گویی به پدیده در آنها شکل می‌گیرد و تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری راهبردها دارد. بیشترین درصد توافق در میان مقوله‌ها به کمیت و کیفیت فضای یادگیری مدارس، و کمیت و کیفیت عوامل تربیتی اختصاص داشت.

جدول ۵. اجماع نظرات گروه پژوهش در خصوص مقوله‌ها و محورهای شرایط مداخله‌گر بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی

ردیف	مفاهیم و تعدادگویه‌های مرتبط با شرایط مداخله‌گر	مقوله‌های شرایط مداخله‌گر	درصد توافق
۱	۱. نگرش گروه‌های حکمران ۲. افراط در آموزش دینی (۲ مفهوم و ۳ گویه)	بسترهای ایدئولوژیکی	۸۶/۹۵
۲	۱. مشارکت و حمایت اجتماعی فعال ۲. آسیب‌های اجتماعی ۳. ریسک‌های مخفی محیطی ایستا و پویا ۴. عدم مسئولیت‌پذیری خانواده‌ها در تربیت ۵. طبقه اجتماعی دانش‌آموز ۶. خصوصیات اقلیمی و منطقه‌ای ۷. تغییرات اجتماعی- فرهنگی (۷ مفهوم و ۱۴ گویه)	عوامل اجتماعی و محیطی	۹۵/۶۵
۳	۱. کمبود منابع مالی ۲. ناهمسویی قوانین با رفتار ۳. کنکور سراسری (۳ مفهوم و ۵ گویه)	مشکلات بیرون سازمانی نظام آموزش و پرورش	۹۱/۳۰
۴	۱. محدودیت‌های مالی مدارس ۲. اقتصاد منطقه‌ای ۳. اتکا به منابع مالی دولتی ۴. موانع اقتصادی (۴ مفهوم و ۶ گویه)	عوامل اقتصادی	۱۰۰
۵	۱. دخالت سیاست ۲. شعارزدگی عملکرد حکمرانی در آموزش و پرورش ۳. حمایت‌های سیاسی (۳ مفهوم و ۱۰ گویه)	عوامل سیاسی و حکمرانی	۹۵/۶۵
۶	۱. فرهنگ محلی- استانی ۲. ناهمسویی قوانین با رفتار ۳. کنکور سراسری (۳ مفهوم و ۶ گویه)	عوامل فرهنگی	۱۰۰
۷	۱. نوآوری‌های فناوری ۲. موانع و چالش‌های فرهنگی ۳. نوآوری‌های آموزشی (۲ مفهوم و ۴ گویه)	فناوری نوین آموزشی	۱۰۰

همانگونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، ۷ مقوله، ۴ محور، ۲۴ مفهوم و ۴۸ گویه برای شرایط مداخله‌گر مؤثر بر وقوع راهبردهای بهبود کیفیت شناسایی شد. منظور از شرایط مداخله‌گر، شرایط وسیع و عام محیطی است که به عنوان تسهیل کننده یا محدود کننده راهبردها عمل می‌کند. درصد توافق برای عوامل اقتصادی؛ عوامل فرهنگی؛ و فناوری نوین آموزشی بیشتر از سایر مقوله‌های شرایط مداخله‌گر بود.

جدول ۶. اجماع نظرات گروه پژوهش در خصوص مقوله‌ها و محورهای راهبردهای بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی

ردیف	مفاهیم و تعدادگویه‌های مربوط به راهبردها	مقوله‌های مرتبط با راهبردها	درصد توافق
۱	۱. حمایت دولت و حکمرانی ۲. راهبردهای برنامه‌های درسی و آموزشی ۳. ارتقاء منزلت اجتماعی ۴. باز طراحی صلاحیت دبیران ۵. تدوین ابعاد استانداردهای عملکرد معلم ۶. تدوین نظام جامع گزینش و جذب نیرو ۷. نظام تضمین کیفیت ۸. راهبردهای مدیریتی برون سازمانی ۹. تقویت جایگاه تخصصی و حرفه‌ای مدیر و دبیران آموزشی ۱۰. تدوین مقوله‌های بهبود کیفیت در نظام تربیتی ۱۱. برنامه‌ریزی راهبردی برای بهبود کیفیت ۱۲. پایش و ارزیابی کیفیت (۱۲ مفهوم و ۸۰ گویه)	راهبردهای کلان	۱۰۰
۲	۱. راهبردهای ارزیابی کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه ۲. طراحی اهداف و دستیار آنلاین ۳. باز طراحی شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان ۴. ارتقاء زیرساخت‌های (ICT) ۵. راهبردهای درون سازمانی ۶. بازنگری قوانین و مقررات تربیتی (۶ مفهوم و ۴۱ گویه)	راهبردهای میانی	۹۵/۶۵
۳	۱. جلب مشارکت‌ها در مدرسه ۲. حمایت مدیریتی قوی در توانمندی معلمان ۳. توسعه حرفه‌ای معلمان ۴. توسعه فرایند یاددهی ـ یادگیری ۵. راهبردهای آموزشی، پرورشی و مدیریتی ۶. راهبردهای درون مدرسه‌ای (۶ مفهوم و ۴۶ گویه)	راهبردهای خرد (عملیاتی)	۱۰۰

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، برای راهبردهای بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی، ۳ مقوله، ۳ محور، ۲۴ مفهوم و ۱۶۷ گویه شناسایی گردید. راهبردها به کنش‌ها و واکنش‌هایی هدفمند اشاره دارند که برای کنترل، اداره و مدیریت پدیده مورد نظر طراحی شده‌اند. درصد توافق برای عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی و فناوری نوین آموزشی نسبت به سایر مقوله‌های شرایط مداخله‌گر

بیشتر بود. همچنین، در میان راهبردهای شناسایی شده، راهبردهای میانی نسبت به دو راهبرد دیگر از میزان توافق کمتری برخوردار بودند.

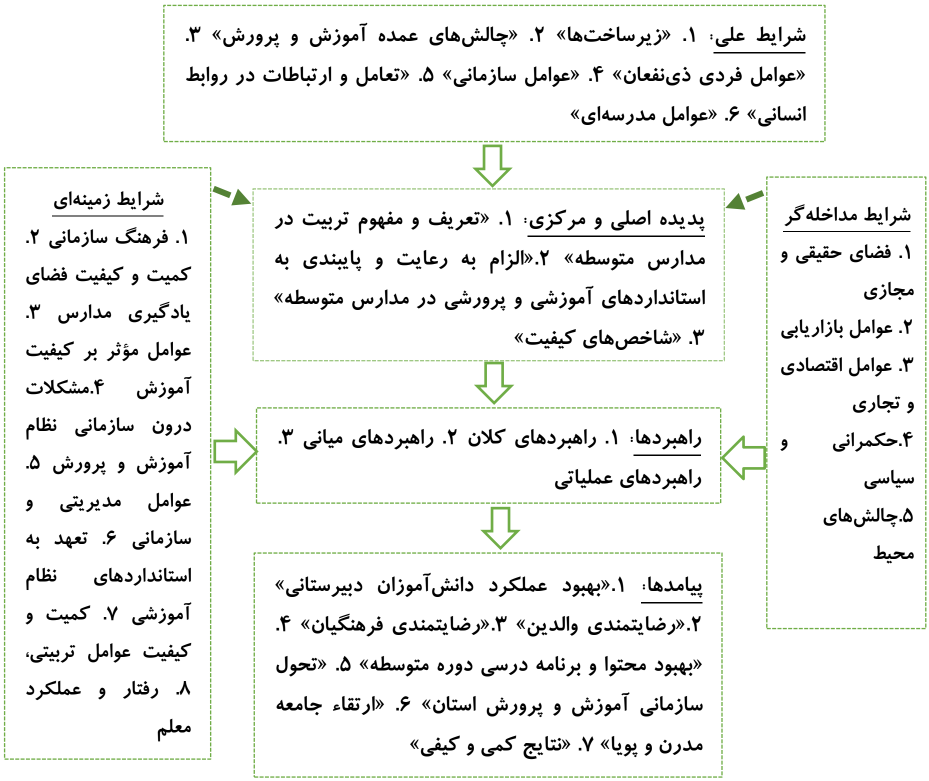
جدول ۷. اجماع نظرات گروه پژوهش در خصوص مقوله‌ها و محورهای پیامدهای بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی

ردیف	مفاهیم و تعدادگویه‌های پیامدها	مقوله‌های پیامدها	درصد توافق
۱	۱. کارآمدی جسمی، ذهنی و روانی دانش‌آموزان ۲. رشد مهارت‌های دانش‌آموزان ۳. رشد انگیزه و علاقه‌مندی دانش‌آموزان (۳ مفهوم و ۷ گویه)	بهبود عملکرد دانش‌آموزان دبیرستانی	۱۰۰
۲	۱. افزایش رضایت ۲. افزایش مشارکت (۲ مفهوم و ۲ گویه)	رضایتمندی والدین	۹۵/۶۵
۳	۱. رضایت شغلی و توانمندی ۲. اثربخشی معلمان و مدیران ۳. بهبود سلامت و ارتباط ۴. باروری اندیشه‌ها و تغییر نگرش (۴ مفهوم و ۹ گویه)	رضایتمندی فرهنگیان	۹۱/۳۰
۴	۱. تحول در محتوا و محیط ۲. رواج فناوری نوین و متخصص ۳. رفع نیازهای تربیتی (۳ مفهوم و ۴ گویه)	بهبود محتوا و برنامه درسی دوره متوسطه	۱۰۰
۵	۱. بهره‌وری و تحول سازمان ۲. پیامدهای آموزشی ۳. پیامدهای پرورشی ۴. پیامدهای اجتماعی ۵. بهبود زیرساخت‌های تربیتی، اداری، ارتباطی و مالی ۶. حمایت از افزایش کیفیت مستمر (۶ مفهوم و ۱۵ گویه)	تحول سازمانی آموزش و پرورش استان	۹۵/۶۵
۶	۱. ارتقاء جامعه مدرن و پویا ۲. اعتماد عمومی (۲ مفهوم و ۲ گویه)	ارتقاء جامعه مدرن و پویا	۹۵/۶۵
۷	۱. نتایج کمی ۲. نتایج کیفی (۲ مفهوم و ۵ گویه)	نتایج کمی و کیفی	۱۰۰

همان‌طور که در جدول ۷ نشان داده شده است، برای پیامدهای بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی، ۷ مقوله، ۳ محور، ۲۳ مفهوم و ۴۴ گویه شناسایی گردید که تمرکز آنها بر نتایج به‌دست آمده از به‌کارگیری راهبردها است. از میان پیامدهای شناسایی شده، درصد توافق فرهنگیان برای رضایتمندی نسبت به سایر راهبردها کمتر بود.

در نهایت، بعد از بررسی‌های بسیار و مشورت با استادان دانشگاه و دیگر صاحب‌نظران، اجماع گروه پژوهش و مصاحبه با بیش از ۸۵ درصد توافق داده‌های مذکور در در قالب ۳۴ مقوله، ۱۳۹ کد مفهومی و ۵۰۱ گویه مشخص شد و در دل سازه‌های ۶ گانه الگوی پارادایمی به صورت شرایط علی

(۶ مقوله، ۲۶ گویه و ۹۵ مفهوم)، پدیده اصلی و مرکزی توسعه و بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران، (۳ مقوله، ۴۸ گویه و ۱۱ مفهوم)، راهبردها (۳ مقوله، ۱۶۷ گویه و ۲۴ مفهوم)، شرایط زمینه‌ای (۸ مقوله، ۹۹ گویه و ۳۱ مفهوم)، شرایط مداخله‌گر یا میانجی (۷ مقوله، ۴۸ گویه و ۲۴ مفهوم)، و پیامدها (۷ مقوله، ۴۴ گویه و ۲۳ مفهوم) جای گرفتند (شکل ۱).



شکل ۱. الگوی پارادایمی بهبود مطلوب کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران

در این بخش، بر اساس فرآیند کدگذاری محوری جهت تدوین گزاره‌های حکمی یا قضایای پژوهش اقدام شده است. این گزاره‌ها به روابط بین مقوله‌ها اشاره دارند که در ادامه بررسی می‌شوند.

قضیه اول: مقوله‌های «تعریف و مفهوم تربیت در مدارس متوسطه»، «الزام به رعایت و پایبندی به استانداردهای آموزشی و پرورشی در مدارس متوسطه»، «شاخص‌های کیفیت» به‌عنوان عوامل اصلی و مرکزی در الگوی توسعه و بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران شناخته می‌شوند.

قضیه دوم: مقوله‌های «زیرساخت‌ها»، «چالش‌های عمده آموزش و پرورش»، «عوامل فردی ذی‌نفعان»، «عوامل سازمانی»، «تعامل و ارتباطات در روابط انسانی»، «عوامل مدرسه‌ای» به‌عنوان عوامل علی در «الگوی توسعه و بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران» نقش ایفا می کنند.

قضیه سوم: راهبردهای «کلان»، «میانی» و «عملیاتی»، کنش‌هایی برای تحقق الگوی توسعه و بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران هستند.

قضیه چهارم: محیط درونی (داخلی) به‌عنوان شرایط زمینه‌ای بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران در ایران، شامل: «فرهنگ سازمانی»، «کمیت و کیفیت فضای یادگیری مدارس»، «عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش»، «مشکلات درون سازمانی نظام آموزش و پرورش»، «عوامل مدیریتی و سازمانی»، «تعهد به استانداردهای نظام آموزشی»، «کمیت و کیفیت عوامل تربیتی»، «رفتار و عملکرد معلم» بستری خاص برای اجرای راهبردهای توسعه و بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران فراهم می‌آورند.

قضیه پنجم: محیط بیرونی، به‌عنوان شرایط مداخله‌گر (میانجی) بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران، شامل: «بسترهای ایدئولوژیکی»، «عوامل اجتماعی و محیطی»، «مشکلات بیرون سازمانی نظام آموزش و پرورش»، «عوامل اقتصادی»، «عوامل سیاسی و حکمرانی»، «عوامل فرهنگی»، «فناوری نوین آموزشی» بستری عام برای اجرای راهبردهای الگوی توسعه و بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران فراهم می‌آورند.

قضیه ششم: اجرای راهبردهای کلان، میانی و عملیاتی «الگوی توسعه و بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران»، پیامدهای «بهبود عملکرد دانش‌آموزان دبیرستانی»، «رضایتمندی والدین»، «رضایتمندی فرهنگیان»، «بهبود محتوا و برنامه درسی دوره

متوسطه»، «تحول سازمانی آموزش و پرورش استان»، «ارتقاء جامعه مدرن و پویا»، «نتایج کمی و کیفی» را در پی خواهند داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش طراحی الگوی بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران به‌عنوان یک عامل اثرگذار بر عدالت آموزشی و برخورداری آموزشی دارای مزایای مهمی از جمله: بهره‌وری تحصیلی دانش‌آموزان، میزان رضایت ذی‌نفعان و دستیابی به استانداردهای ملی، افزایش تعامل والدین با مدرسه و پشتیبانی از فرآیند آموزشی، توزیع مناسب منابع، افزایش کیفیت فضاهای آموزشی و پرورشی و فرآیندهای تصمیم‌گیری بهینه است. بنابراین تبیین نتایج در هر سازه با توجه به مقوله‌ها، مفاهیم و گویه‌های اکتشافی آن قابل انجام است. برای بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران طبق یافته‌های پژوهش تبیین مقوله‌ها به تفکیک هر سازه عبارتند از:

مقوله‌های سازه پدیده اصلی و مرکزی: شامل «تعریف و مفهوم تربیت در مدارس متوسطه»، «الزام به رعایت و پایبندی به استانداردهای آموزشی و پرورشی در مدارس متوسطه» و «شاخص‌های کیفیت» می‌باشند. این سه مقوله، نقش کلیدی در ارتقاء کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه استان مازندران ایفا می کنند. شاخص‌های کیفیت، اصول و معیارهای سنجش کیفیت آموزشی هستند که شامل رضایت بخشی ذی‌نفعان، سطح مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای عوامل آموزشی (معلمان و مدیران) و نیز محتوا و کیفیت برنامه‌های درسی می‌شوند. وجود شاخص‌های کیفیت مؤثر و قابل اندازه‌گیری می‌تواند به نظام آموزشی کمک کند تا نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و بر اساس آن برنامه‌ریزی و اقدام کند. این شاخص‌ها همچنین می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری‌های آتی قرار گیرند و به ارتقای آسیب‌پذیری سیستم آموزشی کمک کنند. با رعایت و پایبندی به استانداردها در مدارس می‌توان تأثیر آن بر کیفیت آموزش و پرورش دانش‌آموزان دبیرستانی را سنجید. الزامات شامل رعایت استانداردها و استفاده از ابزارهای لازم برای سنجش کیفیت آموزشی است که در نهایت به ایجاد یک محیط یادگیری مؤثر و کارآمد کمک می‌کند. از دیدگاه نظری، اجرای استانداردها باعث افزایش انسجام و همسویی میان هدف‌ها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی می‌شود

و زمینه را برای دستیابی به نتایج بهتری در زمینه‌های آموزشی فراهم می‌کند. نتایج پژوهشی تأکید کرده‌اند در مدارسی که استانداردهای مشخصی را رعایت می‌کنند، تمایل بیشتری به بهبود مستمر و نوآوری در روش‌های آموزشی وجود دارد. تربیت صحیح می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا در محیط‌های مختلف خود را به‌خوبی تطبیق دهند و به یک شهروند فعال و مسؤول تبدیل شوند. در واقع، تربیت نه تنها باید متناسب با نیازهای فرهنگی، اجتماعی و آموزشی جوامع طراحی و تبیین شود. بلکه تربیت بایستی با توجه به اصول انسانی و اجتماعی با تأکید بر ابعاد روحی، اجتماعی و اخلاقی انسان طراحی شود.

نتایج پژوهش در این سازه، با نتایج رمضانی و همکاران (۱۴۰۳) در استانداردها و شاخص‌های ارزیابی، آدابی و همکاران (۱۴۰۱) در سطح رضایت ذی‌نفعان، پیشرفت تحصیلی و تجهیزات سخت‌افزاری، مقسمی (۱۳۹۹) در امکانات و تجهیزات، همخوان و همسو بود اما در این پژوهش بر پایبندی به استانداردهای آموزشی در آموزش و سنجش تأکید شد. از نظر پژوهشگران متغیرهایی همچون تعریف تربیت، پایبندی به استانداردها و شاخص‌های کیفیت به‌عنوان ارکان اصلی این مفهوم (کیفیت آموزشی و پرورشی) هستند؛ یعنی برای بهبود کیفیت آموزشی، باید ابتدا مفهوم و معیارهای آن به‌روشنی مشخص شوند. فقدان یک تعریف واضح، ممکن است به سردرگمی در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها منجر شود. از این حیث، این سازه به‌عنوان مبنای علمی و عملی برای سایر اجزا بسیار مهم است.

مقوله‌های سازه شرایط علی: «زیرساخت‌ها»، «چالش‌های عمده آموزش و پرورش»، «عوامل فردی ذی‌نفعان»، «عوامل سازمانی»، «تعامل و ارتباطات در روابط انسانی» و «عوامل مدرسه‌ای» هستند که با چالش‌های مرتبط با کیفیت‌بخشی آموزشی و پرورشی در دبیرستان‌ها درگیر هستند. عوامل سازمانی: به ساختارها، سیاست‌ها و رویه‌های موجود در محیط آموزشی اشاره دارد. شناسایی چالش‌های مدیریتی و ساختاری به‌عنوان موانع اصلی بهبود، برای تحلیل مشکلات نظام آموزشی ضروری است. مدیران مدارس باید به شناسایی و حل چالش‌های موجود در نظام آموزشی و پرورشی در دبیرستان بپردازند. زیرا چالش‌های مذکور در نظام آموزشی می‌تواند منجر به کاهش انگیزه دانش‌آموزان و معلمان و در نتیجه پایین آمدن کیفیت یادگیری شود. تعامل و ارتباطات در میان معلمان، دانش‌آموزان و والدین به‌عنوان یک عامل حیاتی در ایجاد محیطی تسهیل‌گر برای یادگیری

و پرورش توصیف می‌شود. عوامل فردی شامل ویژگی‌های شخصیتی، انگیزه‌ها و تجربیات ذی‌نفعان (دانش‌آموزان، معلمان و والدین) بر کیفیت آموزشی تأثیرگذار هستند. مطالعات نشان می‌دهد که انگیزه و نگرش مثبت افراد نسبت به یادگیری و آموزش می‌تواند به افزایش مشارکت و یادگیری عمیق‌تری منجر شود. عوامل مدرسه‌ای: به ساختار و محیط فیزیکی مدارس، کیفیت امکانات آموزشی و برنامه‌های درسی اشاره دارند. وجود یک محیط آموزشی مطلوب و امن می‌تواند منجر به افزایش تمرکز و یادگیری مؤثرتر دانش‌آموزان شود. زیرساخت‌ها: از جنبه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بسیار حائز اهمیت هستند؛ چرا که فناوری و تجهیزات مؤثر می‌تواند به کیفیت آموزش و پرورش شتاب ببخشد. بنابراین تأمین زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری باید یکی از اولویت‌ها در مدارس مازندران قرار گیرد. به مدیران اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران توصیه می‌گردد که با تحلیل دقیق وضعیت زیرساخت‌های آموزشی و تدوین برنامه‌های توسعه‌ای برای رفع چالش‌های موجود تلاش نمایند. نخستین گام، شناسایی و تقویت عوامل فردی ذی‌نفعان (معلمان، والدین و دانش‌آموزان) به‌منظور مشارکت فعال‌تر آنها در فرآیند آموزشی است.

نتایج پژوهش در سازه شرایط علی، همسو و همراستا با نتایج پژوهش‌های رمضانی و همکاران (۱۴۰۳) در فرآیند یادهی و یادگیری، صادق‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) در زیرساخت‌های نظام آموزش مجازی، الزامات سازمانی و فرآیندی، آدابی و همکاران (۱۴۰۱) در فضای و امکانات مدرسه، محتوای درس و تشکیلات سازمانی؛ چناری و همکاران (۱۳۹۹) در عوامل درون سازمانی، مقسمی (۱۳۹۹) در روابط انسانی خانواده، سلطانی بود. اما نوآوری این پژوهش تأکید بر زیرساخت‌های آموزشی و انسانی، چالش‌های عمده آموزش و پرورش در برقراری عدالت آموزشی و ساختار تشکیلاتی غیرمستقل در فرآیندهای مدرسه بود.

مقوله‌های سازه راهبردها: راهبردهای کلان، با تمرکز بلند مدت شامل حمایت دولت و حکمرانی، باز طراحی صلاحیت دبیران و تدوین نظام جامع گزینش و جذب نیرو می‌شوند. وجود سیاست‌های حمایتی قوی از جانب دولت می‌تواند به تقویت نظام آموزشی و کاهش نابرابری‌ها کمک کند. راهبردهای میانی، با تمرکز میان مدت مانند ارزیابی کیفیت آموزشی و پرورشی، طراحی اهداف و دستیار آنلاین، و ارتقاء زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات مورد توجه قرار می‌گیرند. بر اساس مطالعات، ارزیابی مستمر کیفیت آموزشی می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام

آموزشی کمک کند و به ایجاد تغییرات مثبت منجر شود. همچنین، با طراحی دستیارهای آنلاین و سیستم‌های مبتنی بر فناوری، می‌توان به ارتقاء سهولت دسترسی به منابع آموزشی و بهبود توانایی یادگیری کمک کرد. ارتقاء زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز در عصر کنونی امری اجتناب‌ناپذیری است و بخصوص در دوران پسا ویروس کرونا، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. راهبردهای عملیاتی در سطوح خرد، با تمرکز کوتاه مدت، شامل جلب مشارکت‌ها در مدرسه، حمایت مدیریتی قوی، توسعه حرفه‌ای معلمان و بهبود فرآیند یاددهی- یادگیری هستند که همگی بر ارتقاء کیفیت مدرسه تمرکز دارند. پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که مشارکت فعال خانواده‌ها و جامعه در فرآیندهای آموزشی به نتایج مثبت آموزشی کمک می‌کند. در این راستا، مدیریت قوی و حمایت مدیریتی می‌تواند فضایی را فراهم کند که معلمان به توسعه حرفه‌ای خود بپردازند. همچنین، بهبود فرآیند یاددهی- یادگیری از طریق استفاده از روش‌های نوین و تکنیک‌های آموزشی می‌تواند به ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان منجر شود.

راهبردهای پژوهش با نتایج رمضانی و همکاران (۱۴۰۳) در ارزیابی عملکردی شامل تعیین (استانداردها و شاخص‌های ارزیابی، شیوه‌های ارزیابی، مجریان ارزیابی، حوزه‌های ارزیابی عملکردی، ابزارهای ارزیابی)؛ آدابی و همکاران (۱۴۰۱) در دو راهبرد بودجه مدارس و سطح رضایت معلمان مدارس؛ سیامسیه (۲۰۲۴) در استفاده از فناوری، بویژه برنامه‌های کاربردی مبتنی بر وب و تلفن همراه، به تسهیل ارتباط و همکاری بین اعضای تیم آموزشی در مدرسه، تربیت و توسعه مربیان مدارس، تقویت مشارکت با جوامع محلی؛ افزایش ارتباط اولیاء و مربیان و هم‌افزایی کار گروهی در بهبود خدمات آموزشی و عیسی و همکاران (۲۰۲۴) در بهبود کیفیت در توسعه حرفه‌ای معلمان با کیفیت مواد آموزشی و راهبردهای آموزشی مانند یادگیری مبتنی بر فناوری و یادگیری مشارکتی، همخوان و همراستا بود. نتایج پژوهشی که کاملاً موافق یا مغایر با نتایج این پژوهش باشد، مشاهده نگردید. در این راستا، شناسایی راهبردهای اثرگذار در سطوح کلان، میانی و خرد می‌توانند به‌طور انحصاری در بهبود تجربه کیفیت‌بخشی ذی‌نفعان آموزش و پرورش در مدارس متوسطه مازندران کمک کند.

مقوله‌های سازه شرایط زمینه‌ای: عوامل«فرهنگ سازمانی»، «کمیت و کیفیت فضای یادگیری مدارس»، «عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش»، «مشکلات درون سازمانی نظام آموزش و پرورش»،

«عوامل مدیریتی و سازمانی»، «تعهد به استانداردهای نظام آموزشی»، «کمیت و کیفیت عوامل تربیتی» و «رفتار و عملکرد معلم»، بستری خاص برای تحقق راهبردهای «کلان»، «میانی» و «عملیاتی» جهت توسعه و بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس مازندران فراهم می‌آورند. عوامل مدیریتی و سازمانی به ساختار و فرآیندهای مدیریت در مدارس اشاره دارد که تأثیر عمیقی بر کیفیت آموزشی دارند. بر اساس نظریه‌های مدیریت آموزشی، وجود یک رهبری مؤثر و راهبردی می‌تواند به ایجاد یک محیط یادگیری پویا و مؤثر کمک کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که معلمان با رفتار مثبت و حرفه‌ای می‌توانند انگیزه و تعامل بیشتری را در کلاس درس ایجاد کنند. به همین ترتیب، کیفیت تدریس و تسلط معلمان به مفاهیم و روش‌های نوین آموزشی، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش یادگیری دانش‌آموزان دارد. فضای یادگیری، شامل فضاهای فیزیکی و اجتماعی، تأثیر بسزایی بر جو مدرسه و کیفیت یادگیری دارد. عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش، شامل: تکنیک‌ها، ابزارها و مواد آموزشی است که در فرآیند یاددهی و یادگیری به‌کار می‌روند و در صورت سازگار با نیازهای دانش‌آموزان می‌تواند به بهبود یادگیری کمک کند. مشکلات درون سازمانی نظام آموزش و پرورش: نظیر ناکارآمدی در ساختار اداری و عدم هماهنگی بین بخش‌های مختلف، ناکارآمدی‌ها در مدیریت منابع انسانی و مالی می‌تواند موانعی جدی و اصلی بر وقوع راهبردهای کیفیت‌بخشی، باشند. فرهنگ سازمانی و اداری حاکم بر مدارس می‌تواند به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده کیفیت آموزشی عمل کند. فرهنگ مثبت، می‌تواند انگیزه و روحیه همکاری را در بین کارکنان و دانش‌آموزان افزایش دهد. عوامل تربیتی، شامل فعالیت‌های غیردرسی و تفریحی، مکمل فرآیند یاددهی و یادگیری هستند. تعهد به استانداردهای نظام آموزشی و پیروی از آنها، بی‌تردید یکی از عوامل کلیدی در ارتقای کیفیت آموزشی محسوب می‌شود. سازمان‌هایی که به‌طور جدی به استانداردها پایبند هستند، معمولاً عملکرد بهتری دارند و در ارزیابی‌های داخلی و خارجی نیز موفق‌تر عمل می‌کنند. پیشنهاد می‌گردد که مدیران استانی، سعی در افزایش درگیری کارکنان و مشارکت مدیران مدارس متوسطه در تمامی امور سازمانی (از فرآیند تصمیم‌گیری گرفته تا ارزیابی عملکرد) فعالیت‌های معلمان خود نمایند.

نتایج پژوهش در این سازه با یافته‌های پژوهش‌های سیامسیه (۲۰۲۴) در ارتباط و همکاری بین اعضای تیم آموزشی، ارتباط اولیاء و مربیان و یادگیری مشارکتی؛ عیسی و همکاران (۲۰۲۴) در

کیفیت مواد آموزشی، مربیان (معلمان) مدارس و مشارکت اولیای دانش‌آموزان؛ رمضانی و همکاران (۱۴۰۳)؛ صادق‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) در الزامات آموزشی و محتوایی؛ چناری و همکاران (۱۳۹۹) در عوامل درون سازمانی و مقسمی (۱۳۹۹) در ویژگی‌های معلم، مدیر مدرسه و دانش‌آموز؛ همخوان و همراستا بود. اما نوآوری این پژوهش بر تدوین بسترهای ایدئولوژیکی، افراط در آموزش‌های دینی و آسیب‌های اجتماعی، چالش‌های عمده آموزش و پرورش در برقراری عدالت آموزشی و ساختار تشکیلاتی غیرمستقل در فرآیندهای مدرسه، تعهد دانش‌آموزان و معلمان تأکید داشت. بنابراین به مدیران مذکور پیشنهاد می‌شود که: با آماده‌سازی محیط سالم و پویای آموزشی و پرورشی در مدارس متوسطه و ایجاد شرایط مناسب برای تفکر انتقادی، مشارکت و همکاری گروهی در حل مسئله، تعامل بین والدین و معلمان و مدیران دبیرستان‌ها را تقویت و تسهیل نمایند.

مقوله‌های سازه شرایط مداخله‌گر: عوامل«بسترهای ایدئولوژیکی»، «عوامل اجتماعی و محیطی»، «مشکلات بیرون سازمانی نظام آموزش و پرورش»، «عوامل اقتصادی»، «عوامل سیاسی و حکمرانی»، «عوامل فرهنگی» و «فناوری نوین آموزشی»، در آموزش و پرورش مازندران هستند. در واقع این عوامل به‌عنوان بستر محیطی و زمینه‌ساز وقوع راهبردهای توسعه مطلوب کیفیت آموزشی و پرورشی دبیرستان‌های مازندران هستند. در واقع شناسایی عوامل بیرونی مانند مسائل اجتماعی و اقتصادی، نشان‌دهنده این است که کیفیت آموزش تنها به عوامل داخلی محدود نمی‌شود و نیاز به توجه به محیط اطراف دارد. یعنی این عوامل می‌توانند به‌عنوان چالش‌هایی برای اجرای راهبردها عمل کنند. عوامل سیاسی و حکمرانی: به ساختارها و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی اشاره دارد که به‌طور مستقیم بر نظام آموزشی تأثیر می‌گذارند. مطالعات نشان می‌دهند که سیاست‌های دولتی و تصمیمات حکومتی می‌توانند منجر به تخصیص منابع بهتر، اصلاحات آموزشی و تغییرات مثبت در کیفیت آموزش شوند. فرهنگ داشته‌های غیرمادی انسان است و فرهنگ جامعه تأثیر عظیمی بر فرآیند یادگیری و تدریس دارد. فرهنگ آموزشی که شامل ارزش‌ها، اعتقادات و رفتارهای رایج در یک جامعه است، می‌تواند بر انگیزه دانش‌آموزان و معلمان تأثیر بگذارد. عوامل اجتماعی و محیطی: نظیر شرایط اجتماعی، اقتصادی و ساختاری جامعه، بر کیفیت آموزش تأثیر مستقیم دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که پیوند بین خانواده و مدرسه، همچنین معیارهای اجتماعی مانند فقر و نابرابری، می‌توانند بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بگذارند. مشکلاتی که خارج از کنترل

نظام آموزش و پرورش قرار دارند؛ مانند ناپایداری‌های اجتماعی، بحران‌های اقتصادی و دیگر عوامل می‌توانند به کیفیت آموزشی آسیب برسانند. برای مثال، بحران اقتصادی به معنای کاهش بودجه و منابع آموزشی و تأثیر منفی بر محیط یادگیری است. وضعیت اقتصادی کشور و همچنین میزان بودجه اختصاص‌یافته به آموزش و پرورش، یکی از عوامل کلیدی در کیفیت آموزش است. بودجه‌های ناکافی می‌تواند به کمبود دبیران با کیفیت، امکانات آموزشی ضعیف و کاهش فعالیت‌های پرورشی منجر شود. ایدئولوژی‌های حاکم بر نظام آموزشی و فرهنگی یک جامعه می‌توانند بر اهداف، روش‌های تدریس و ارزش‌های آموزشی تأثیرگذار باشند. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که ایدئولوژی‌های استبدادی معمولاً به محدود شدن انعطاف‌پذیری آموزشی و کاهش مشارکت ذی‌نفعان منجر می‌شوند، در حالی که ایدئولوژی‌های دموکراتیک (مردم‌سالار) و مشارکتی می‌توانند به تقویت خلاقیت و نوآوری در آموزش بیانجامند. فناوری‌های جدید، سمینارها و آموزش‌های آنلاین می‌توانند به بهبود کیفیت آموزشی کمک کنند و سرعت دسترسی به منابع آموزشی را افزایش دهند. در مجموع، این عوامل به‌طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و درک صحیح از این متغیرها و تأثیرات آنها بر فرآیند آموزشی و پرورشی می‌تواند راهکارهای مؤثری را برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش ارائه دهد و به توسعه پایدار نظام آموزشی کمک کند.

نتایج پژوهش در این سازه، همسو با نتایج صادق‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) در الزامات مشارکت برون‌سازمانی و عوامل تکنولوژیکی؛ آدابی و همکاران (۱۴۰۱) در معلمان، مدیریت و مدارس، محتوای درسی و اعتبارات مالی؛ مقسمی (۱۳۹۹) در عوامل محیطی؛ چناری و همکاران (۱۳۹۹) در عوامل برون سازمانی و فرهنگ، اجتماع و سیاست بود. اما تأکید نوآوری این پژوهش بر بسترهای ایدئولوژیکی، افراط در آموزش‌های دینی و آسیب‌های اجتماعی، چالش‌های عمده آموزش و پرورش در برقراری عدالت آموزشی و ساختار تشکیلاتی غیرمستقل در فرآیندهای مدرسه بود. بنابراین شناخت و مدنظر قرار دادن این شرایط مداخله‌گر، به مدیران نظام آموزشی و پرورشی کمک می‌کند تا در برابر چالش‌های بیرونی مقاوم‌تر شود. همچنین، به برنامه‌ریزان آموزشی و پرورشی این امکان را می‌دهد که به‌طور هوشمندانه‌تری برنامه‌ها را طراحی و اجرا کنند. مانند: تدوین برنامه‌های آموزشی که تأثیر عوامل بیرونی را تحلیل و راهکارهای مقابله با آنها را پیش‌بینی کنند و همکاری با سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به‌منظور ایجاد بستری حمایت‌کننده از نظام آموزشی.

مقوله‌های سازه پیامدها: اجرای راهبردهای کلان، میانی و عملیاتی الگوی پژوهش، پیامدهای «بهبود عملکرد دانش‌آموزان دبیرستانی»، «رضایتمندی والدین»، «رضایتمندی فرهنگیان»، «بهبود محتوا و برنامه درسی دوره متوسطه»، «تحول سازمانی آموزش و پرورش استان»، «ارتقاء جامعه مدرن و پویا» و «نتایج کمی و کیفی» در آموزش و پروررش مازندران را به دنبال دارد. در واقع تحول سازمانی در آموزش و پرورش به معنای تغییرات ساختاری و فرهنگی در نظام آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان است که منجر به بهبود عملکرد و پاسخ‌گویی بهتر به نیازهای جامعه می‌شود. براساس نظریه‌های مدیریت تغییر، تحول سازمانی مستلزم وجود چارچوب‌های مشخصی است که به کارکنان و معلمان کمک کند تا تغییرات را بپذیرند و در راستای تحقق اهداف آموزشی فعالانه عمل کنند. رضایتمندی فرهنگیان یکی از عوامل کلیدی در بهبود کیفیت آموزشی است. نتایج پژوهش‌ها نشان داده‌اند که وقتی معلمان از وضعیت شغلی خود رضایت دارند، در نتیجه انگیزه بیشتری برای عملکرد بهتر دارند. نتایج کمی معمولاً با استفاده از آزمون‌ها و نمرات دانش‌آموزان سنجیده می‌شود، در حالی که نتایج کیفی به تحلیل تجارب یادگیری و احساسات دانش‌آموزان بستگی دارد. توسعه رویکردهای ارزیابی جامع که همواره به ترکیب داده‌های کمی و کیفی می‌پردازد، می‌تواند به بهبود فرآیند یادگیری و تدریس کمک کند و تصویری دقیق‌تر از کیفیت آموزش در مدارس ارائه دهد. بهبود محتوای آموزشی و برنامه درسی برای تطابق با نیازهای روز جامعه و بازار کار امری ضروری است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برنامه‌های درسی بازطراحی شده که ضمن ارتقای مهارت‌های تحصیلی، به مهارت‌های عملی و نرم نیز توجه دارند، می‌توانند به افزایش انگیزه و توانمندی‌های دانش‌آموزان کمک کنند. عملکرد دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت آموزشی، تحت تأثیر عوامل متعددی مانند محتوای آموزشی، روش‌های تدریس و شرایط آموزشی قرار دارد. براساس پژوهش‌ها، مدارس با محیط‌های حمایتی و آموزشی مثبت، نتایج بهتری در عملکرد دانش‌آموزان دارند. آموزش باکیفیت به ایجاد توانمندی‌های لازم برای حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جوامع امروز کمک می‌کند و شهروندانی آگاه و مسؤولیت‌پذیر را تربیت می‌کند که می‌توانند در توسعه پایدار جامعه مشارکت کنند. نتایج پشینه پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ارتباط مؤثر بین والدین و مدرسه می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و کاهش رفتارهای هرج و مرج در دانش‌آموزان منجر شود. برگزاری جلسات منظم برای تبادل نظر بین والدین و معلمان می‌تواند به

ایجاد این اعتماد و ارتقاء کیفیت آموزش کمک کند. به مدیران آموزش و پرورش مازندران پیشنهاد می‌شود که نخست کمیته‌های تحول شامل تشکیل تیم‌های تخصصی در سطوح مختلف برای شناسایی نیازها و اولویت‌های تحول در نظام آموزشی را مشخص نمایند.

پیامدهای پژوهش با نتایج سیامسیه (۲۰۲۴) در افزایش همکاری مؤثر در مدرسه؛ عیسی و همکاران (۲۰۲۴) در توسعه حرفه‌ای معلمان؛ رمضانی و همکاران (۱۴۰۳) در تکریم کنشگران آموزشی؛ آدابی و همکاران (۱۴۰۱) در ارتقاء کیفیت آموزش با افزایش سطح رضایت، پیشرفت تحصیلی و انگیزش تحصیلی و چناری و همکاران (۱۳۹۹) در بهبود فضا و محتوای آموزشی، فرآیندهای یادگیری و یاددهی، همخوان و همراستا بود. با توجه به رویکرد اکتشافی پژوهش، پژوهشی که نتایجش مغایر با نتایج مذکور باشد، مشاهده نگردید. نوآوری پژوهش در تأکید بر بهره‌وری و تحول سازمانی آموزش و پرورش در برقراری اعتماد عمومی و حمایت از افزایش کیفیت مستمر در جامعه‌ای مدرن و پویا بود.

نتایج کدگذاری مطالعات اسناد پژوهشی و مصاحبه‌های پژوهش، به دلیل رویکرد اکتشافی در شناسایی و طراحی الگوی بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه مازندران به روش گراندد تئوری با رویکرد نظام‌مند اشتراس و کوربین، منحصربه‌فرد هستند. مقوله‌های شناسایی شده در شش سازه نظام‌مند پژوهش می‌توانند به‌عنوان یک پایه علمی که از آن برای ارتقاء منافع آموزشی استفاده شود و می‌تواند به‌عنوان یک نقشه راه برای برنامه‌ریزی و اجرای اقداماتی برای ارتقاء کیفیت آموزشی در مدارس متوسطه مازندران محسوب شود. لازم است این مدل به‌طور گسترده‌ای مورد نظر قرار گیرد و در نظام آموزشی پیاده‌سازی شود. در پایان، این پژوهش به سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی توصیه می‌کند که با توجه به یافته‌های علمی، برنامه‌های آموزشی و پرورشی خود را بر اساس نیازها و چالش‌های موجود طراحی و تدوین نمایند. توجه به فرهنگ سازمانی و مدیریت مؤثر نیز از دیگر عوامل کلیدی در موفقیت این برنامه‌ها خواهد بود. الگوی پژوهش حاضر، به معنی معتبرترین الگوی پارادایمی توسعه کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی عادی استان مازندران نیست؛ بلکه میزان صحت برداشت و تلقی پژوهش پژوهشگران از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان و نیز ابتکار و خلاقیت ایشان در کدگذاری و برقراری روابط بین آنها می‌باشد که بایستی با آزمون برازش مدل از دیدگاه ذی‌نفعان آموزش و پرورش در سطوح مختلف ستادی،

میانی و اجرایی در استان در معرض نظرسنجی و قضاوت جدی قرار گیرد. اما از آنجا که همه مدل‌ها و یافته‌های نظری- پژوهشی کیفی تا زمانی که در بوته آزمایش و اجرا قرار نگیرند و در محیط و جامعه مورد مطالعه در این پژوهش (دبیرستان‌های استان مازندران) اجرا و پیاده‌سازی نشوند، نمی‌توان به یقین گفت که مفید هستند یا خیر؛ زیرا نقشه جغرافیایی یک کشور، همان قلمرو و سرزمین آن کشور نیست؛ یافته‌های کیفی این پژوهش هم چیزی نیست، به جز احتمال تقریبی هر آنچه ممکن است رخ دهد. این موارد در چارچوب زمان‌بندی و محدودیت‌های پژوهشی که برای طراحی الگوی نظام‌مند مذکور در نظر گرفته شده است، مطرح شده‌اند.

برای اجرای پروژه‌های بهبود کیفی آموزشی و پرورشی در مدارس، پیشنهاد می‌شود:

- تیمی متشکل از مدیر، معلمان، اولیاء دانش‌آموزان، مشاوران و سایر ذی‌نفعان تشکیل شود تا با جمع‌آوری داده‌ها، تشخیص مشکلات، تعیین هدف‌ها و طراحی راهکارهای بهبود کیفیت تدریس و فرآیندهای یادگیری، برنامه‌ای نظام‌مند تدوین گردد. این برنامه با برگزاری جلسات آموزشی و هم‌اندیشی برای آگاه‌سازی و بازنگری در فعالیت‌های مدرسه آغاز شده و با تعهد مدیریت در حمایت و نظارت مستمر بر اجرای پروژه ادامه می‌یابد. پایش مستمر پیشرفت‌ها و حل مسائل در مسیر اجرا، همراه با نهادینه‌سازی فرایندهای موفق به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های مدرسه، از دیگر مراحل مهم است. همچنین، ایجاد نظام ردیابی و پشتیبانی از یادگیری‌های از دست رفته دانش‌آموزان به منظور جبران کمبودها و اطلاع‌رسانی مستمر به دانش‌آموزان و والدین ضروری است.

از سوی دیگر، نقش مدیریت مدرسه به عنوان عامل کلیدی موفقیت و ارتقاء کیفیت آموزشی و پرورشی برجسته است، زیرا مدیران مسئولیت سازماندهی، برنامه‌ریزی، نظارت، انگیزش و هماهنگی منابع انسانی و مادی را بر عهده دارند. در نظام آموزش و پرورش استان مازندران، نبود نظام حرفه‌ای و تخصصی دانشگاهی برای آماده‌سازی مدیران مدارس، به ویژه در دوره متوسطه، مشکل‌زا است. لذا پیشنهاد می‌شود:

- برای بهبود کیفیت مدیریت مدارس، شرایط احراز پست مدیریت و گواهینامه‌های صلاحیت رهبری مدرسه به‌روز و دوره‌ای طراحی و اجرا شود. همچنین، تمرکززدایی در برنامه درسی دوره متوسطه، مشارکت فعال مدیران و معلمان در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و پرورشی،

مسئله‌محوری در حل مشکلات منطقه‌ای، بازنگری نظام گزینش و تربیت دانشجو معلمان و پژوهش‌های تطبیقی در زمینه مدیریت بحران و تحول سازمانی، از محورهای اساسی جهت ارتقای مستمر کیفیت آموزش و پرورش در دبیرستان‌های استان به شمار می‌آیند.

سپاسگزاری

این مقاله حاصل نتایج طرح پژوهشی با کد رهگیری ۲۱۸۴۴۰-۱۵۴۴۴ می‌باشد که با حمایت مالی اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران انجام شده است. بدین‌وسیله از حمایت‌های ارزشمند این سازمان و همچنین همکاری‌های علمی و اجرایی تمامی مدیران، کارشناسان، معلمان و خبرگان در آموزش و پرورش که طی فرآیند گردآوری داده‌ها و تحلیل نتایج مشارکت داشته‌اند، صمیمانه قدردانی می‌شود. نتایج پژوهش می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تصمیم‌گیری‌های کلان و راهبردی در راستای ارتقای کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه دولتی استفاده گردد.

منابع

آدابی، لیلا، برکت، غلام‌حسین و بهمئی، لیلا. (۱۴۰۱). ارائه الگوی ارتقاء کیفیت آموزش مدارس شهرستان اهواز با استفاده از روش داده بنیاد. *طلوع بهداشت*، ۲۱(۵)، ۱۲۳-۱۰۶.

بهارلو، منیژه. (۱۳۹۶). بررسی کیفیت آموزش و پرورش و ارایه راهکارهایی جهت ارتقای آن. *همایش علمی پژوهشی استانی راهبردها و راهکارهای ارتقاء کیفیت در آموزش و پرورش*، میناب.

چناری، زمرد، بهمئی، لیلا و برکت، غلامحسین. (۱۳۹۹). ارائه الگویی برای سنجش کیفیت آموزشی در مدارس ابتدایی: مورد مطالعه شهرستان اندیمشک. *آموزش و ارزشیابی*، ۱۳(۵۲)، ۱۸۵-۱۶۱.

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران.*

رمضانی، رویا، برزگر، نادر، حکیم‌زاده، رضوان، دشمن‌زیاری، اسفندیار و شفیعی، ناهید. (۱۴۰۳). واکاوی ابعاد و مؤلفه‌های ارزیابی عملکردی مدارس اثربخش از دیدگاه متخصصان خارجی و داخلی: یک پژوهش کیفی با رویکرد فراترکیب. *پژوهش‌های برنامه‌ریزی درسی و آموزشی*، ۲(۱۵)، ۹۹-۸۳.

زیبایی، سعیده، افراسیابی، رویا و بهرام‌زاده، حسینعلی. (۱۴۰۳). ارائه مدل ارتقای کیفی مدارس متوسطه دوم ایران (مطالعه موردی: مدارس شهر تهران). *مدیریت بر آموزش سازمان‌ها*، ۱۳(۱)، ۴۶-۱۳.

صادق‌زاده، فریده، معظمی، مجتبی، احمدی، امینه و جاهد، حسینعلی. (۱۴۰۲). ارائه مدل کیفیت خدمات آموزشی در سیستم آموزش مجازی دانشگاه آزاد اسلامی استان بوشهر. *پژوهش‌های برنامه‌ریزی درسی و آموزشی*، ۱(۱۳)، ۲۰۴-۱۸۹.

غفاری‌اسمعیلی، سید علی، حسنی، محمد و قلاوندی، حسن. (۱۴۰۲). شناسایی عوامل و مؤلفه‌های نابرابری آموزشی در مناطق آموزش و پرورش استان مازندران به منظور ارائه الگوی بهینه. *تعلیم و تربیت*، ۳۹(۴)، ۱۷۲-۱۵۱.

گفاری اسمعیلی، سید علی، حسنی، محمد و قلاوندی، حسن. (۱۴۰۲). شناسایی عوامل و مؤلفه‌های نابرابری آموزشی در مناطق آموزش و پرورش استان مازندران به منظور ارائه الگوی بهینه. *تعلیم و تربیت*، ۳۹(۴)، ۱۷۲-۱۵۱.

مقسیمی، مجید. (۱۳۹۹). بررسی کیفیت مدارس و شناسایی عوامل مؤثر بر آن. *پنجمین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب‌های اجتماعی*، تهران.

منفرد، لیلا. (۱۴۰۲). بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی در مدارس ایران. *اولین همایش بین‌المللی جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده*، بوشهر.

وزارت آموزش و پرورش. (۱۴۰۰). *سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات وزارت آموزش و پرورش.

Bloom, B. S. (1956). *Taxonomy of educational objectives: The classification of educational goals.* Handbook I: Cognitive domain. New York: David McKay.

Dornyei, Z. (2007). *Research methods in applied linguistics: Quantitative, qualitative, and mixed methodologies.* Oxford University Press.

Downe-Wamboldt, B. (1992). Content analysis: Method, applications, and issues. *Health Care for Women International*, 13(3), 313-321. https://doi.org/10.1080/07399339209516006

Earley, M. A. (2014). A Synthesis of the literature on research methods education. *Teaching in Higher Education*, 19(3), 242-253. https://doi.org/10.1080/13562517.2013.860105

Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of Advanced Nursing*, 62(1), 107-115. https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2007.04569.x

Fisher, S., & Justwan, F. (2018). Scaffolding assignments and activities for undergraduate research methods. *Journal of Political Science Education*, 14(1), 63-71. https://doi.org/10.1080/15512169.2017.1367301

Gonulal, T., Loewen, S., & Plonsky, L. (2017). The development of statistical literacy in applied linguistics graduate students. *International Journal of Applied Linguistics*, 168(1), 5-133.

Gurung, R. A. R., & Stoa, R. (2020). A national survey of teaching and learning research methods: Important concepts and faculty and student perspectives. *Teaching of Psychology*, 47(2), 111-120. https://doi.org/10.1177/0098628320901374

Harvey, S., Phillips, D. C., & Callan, E. (2018). Philosophy of education. In E. N. Zalta (Ed.), *The Stanford encyclopedia of philosophy* (Winter 2018 Edition). Retrieved from https://plato.stanford.edu/archives/win2018/entries/education-philosophy

Hatch, E., & Farhady, H. (1982). *Research design and statistics for applied linguistics*. Newbury House Publishers.

Hesse-Biber, S. (2015). The problems and prospects in the teaching of mixed methods research. *International Journal of Social Research Methodology*, 18(5), 463-477.

Hodson, R. D. (1999*). Analyzing Documentary Accounts*. Sage Publications.

Hsieh, H.-F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.

Hudson, T., & Liosa, L. (2015). Design issues and inference in experimental L2 research. *Language Learning*, 65(S1), 76.

Isa, M., Neliwati, N., & Hadijaya, Y. (2024). Quality improvement management in teacher professional development. *Munaddhomah: Jurnal Manajemen Pendidikan Islam, 5*(2), 136-147. https://doi.org/10.31538/munaddhomah.V5i2.782

Jenkins, A. (2000). The relationship between teaching and research: Where does geography stand and deliver? *Journal of Geography in Higher Education*, 24(3), 325–351. https://doi.org/10.1080/713677414

Kilburn, D., Nind, M., & Wiles, R. (2014). Learning as researchers and teachers: The development of a pedagogical culture for social science research methods? *British Journal of Educational Studies*, 62(2), 191-207.

Lehti, S., & Lehtinen, E. (2005). Computer-supported problem-based learning in the research methodology domain. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 49(3), 297-324. https://doi.org/10.1080/00313830500109618

Lewthwaite, S., & Nind, M. (2016). Teaching research methods in the social sciences: Expert perspectives on pedagogy and practice. *British Journal of Educational Studies*, 64(4), 413-430.

Liebscher, P. (1998). Quantity with quality? Teaching quantitative and qualitative methods in an LIS master's program. *Library Trends*, 46(4), 668-680.

Mackey, A., & Gass, S. M. (2016). *Second language research: Methodology and design*. Routledge.

Neuendorf, K. A. (2002). *The Content Analysis Guidebook.* Sage Publications.

OECD. (2023). *Education at a glance 2023: OECD indicators*. OECD Publishing. https://doi.org/10.1787/e13bef63-en.

Ogrinc, G., Davies, L., Goodman, D., Batalden, P., Davidoff, F., & Stevens, D. (2015). SQUIRE 2.0 (Standards for quality improvement reporting excellence): Revised publication guidelines from a detailed consensus process. *American Journal of Critical Care, 24*(6), 466-473.

Plonsky, L. (2014). Study quality in quantitative L2 Research (1990-2010): A methodological synthesis and call for reform. *Modern Language Journal*, 98(1), 450-470. https://doi.org/10.1111/j.1540-4781.2014.12058.x

Polit, D. F., & Beck, C. T. (2004). *Nursing research: Principles and methods.* Lippincott Williams and Wilkins.

Purpura, J., Brown, J, D., & Schoonen, R. (2015). Improving the validity of quantitative measures in applied linguistics research. *Language Learning*, 65(S1), 37-75.

Ross, K., & Call-Cummings, M. (2020). Reflections on failure: Teaching research methodology. *International Journal of Research and Method in Education*, 43(5), 498-511. https://doi.org/10.1080/1743727x.2020.1719060

Sizemore, O. J., & Lewandowski Jr., G. W. (2009). Learning might not equal liking: Research methods course changes knowledge but not attitudes. *Teaching of Psychology*, 36(2), 90-95. https://doi.org/10.1080/00986280902739727

Stark, J. S., & Lattuca, L. R. (1997). *Shaping the college curriculum: Academic plans in action.* Allyn and Bacon.

Sweifach, J. (2014). Group work education today: A content analysis of MSW group work course syllabi. *Social Work with Groups*, 37(1), 8-22. https://doi.org/10.1080/01609513.2013.816920

Syamsiyah, M. (2024). Improving the quality of educational services through effective collaboration in madrasah. In *Proceeding of International Conference on Education, Society and Humanity*, *2*(1), 1408-1416. Retrieved from https://ejournal.unuja.ac.id/index.php/icesh/article/view/8049

UNESCO. (2022). *Global education monitoring report: Non-state actors in education*.

Voss, R., Roediger, H. L., Gruber, H., & Szmigin, I. (2007). Service quality in higher education: The role of student expectations. *Journal of Business Research*, *60*(9), 949-959. Retrieved from https://ideas.repec.org/a/eee/jbrese/v60y2007i9p949-959.html

Zajda, J. I. (2020). *Human rights education globally*. Dordrecht: Springer. Retrieved from https://link.springer.com/book/10.1007/978-94-024-1913-9